

بررسی روابط تجاری ایران و هلند در دوره های صفویه و افشاریه در خلیج فارس

دکتر بهادر قیم*
امیر رضوان تبار**

چکیده

خلیج فارس و نواحی پس کرانه ای آن، به خاطر موقعیت جغرافیایی خاصی که دارد همواره مورد توجه قدرتهای استعماری بوده است. تشکیل دولت صفویه مصادف شد با حضور پرتغالی ها و ناوگان نظامی و دریایی آن ها در خلیج فارس و اقیانوس هند. شاهان صفوی به علل گوناگون از جمله رقابت با عثمانی، در ابتدا توجه جدی به امور خلیج فارس نداشتند اما با به قدرت رسیدن شاه عباس اول و اخراج پرتغالی ها از جزیره هرمز و انتقال مرکز تجاری و بازارگانی به بندر عباس، شرکت های تجاری و کمپانی های هند شرقی انگلیس و هلند نقش ویژه ای در تجارت دریایی خلیج فارس ایفا نمودند. هلندی ها در سال های پایانی سلسله صفویه و در دوران افشاریه قدرت برتر تجاری منطقه بودند و برتری مشهودی نسبت به دیگر ریشان انگلیس داشتند، و توأم نتند امتیازات مهم تجاری قابل ملاحظه ای از شاهان صفوی بگیرند و تجارت ابریشم ایران را در قرن هفدهم میلادی در اختیار خود بگیرند. در این نوشتار ورود هلندی ها به خلیج فارس و روابط تجاری آن ها با ایران در دوره صفویه و افشاریه بررسی می شود.

کلید واژه ها : هلند، ایران، خلیج فارس، صفویه، افشاریه، روابط تجاری.

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز / ghayem.b@scu.ac.ir *

کارشناس ارشد تاریخ شهید چمران اهواز ***

مقدمه:

خلیج فارس به عنوان یک آبراه و قطب تجاری اقتصادی همواره مورد توجه کشورهای بزرگ منطقه و ماورای آن بوده است و مناطق حاشیه‌ای و شهرها و بنادر آن از راه کشتیرانی و دریانوردی با یکدیگر و دیگر ملت‌ها داد و ستد تجاری داشته‌اند. قرن هفدهم میلادی برخلاف قرن شانزدهم شاهد رشد و ترقی بی نظری در زمینه تجارت در سطح جهان بود. همزمان با ظهور شاه عباس اول در ایران رقبای قدرتمندی در عرصه بازرگانی جهان در برابر پرتغالیها پیدا شدند که عملاً به انحصار تجارت دریایی پرتغالی‌ها در خلیج فارس پایان دادند و جانشین آن در تجارت دریایی در دوره صفویه شدند. قرن هفدهم و هیجدهم کانون چالش و درگیری دو شرکت کمپانی هند شرقی هلندا و انگلیس شده بود. هلنداها در سال ۱۶۰۷ م پس از ورود به خلیج فارس با اهدافی همچون کنترل مستقیم و بالواسطه تجارت خلیج فارس و دریای عمان با هند و شرق و غرب و تضعیف جوامع تجاری و دریانوردی منطقه کار خود را شروع کردند. هلنداها از اتحاد ایران و عثمانی به خصوص در عهد شاه عباس اول ناراضی بودند. آنها فضای دشمنی و نیز بی اعتمادی را بین ایران و عثمانی دامن زدند و از اتحاد آنها جلوگیری کردند و باعث تجدید اختلافات این دو کشور اسلامی و به هدر رفتن سرمایه‌های آنان شدند. هلنداها از طریق روش دادن و همچنین سیاستهای نمایندگانشان توانستند امتیازات تجاری مهمی در دوره‌های صفویه و افشاریه کسب کنند. از جمله قراردادی که در سال ۱۶۲۳ م با شاه عباس اول بستند و انحصار تجارت در خلیج فارس را در اختیار گرفتند شرح فتوحات هلنداها در مشرق زمین و توسعه نفوذ و اقتدار ایشان در هندوستان و جزایر هند شرقی از موضوع بحث این مقاله خارج است. در این نوشتار به روابط تجاری این کشور اروپایی با ایران در خلیج فارس پرداخته می‌شود.

ورود هلنداها به خلیج فارس و اقیانوس هند:

پرتغالی‌ها پس از ۱۵۰۰ سال حضور در خلیج فارس در اثر شکست از نیروهای ایران در جزیره هرمز و اخراج از مسقط سلطه بر منطقه را از دست دادند. پس از زوال اقتدار و تسلط پرتغالی‌ها سایر دول اروپائی بر شدت رقابت برای تسلط و برتری بر کشورهای حوزه خلیج فارس افزودند. هلندا یکی از دولی بود که در این دوره بدنبال گسترش نفوذ خویش برآمد و موفقیت زیادی نیز کسب نمود. هلنداها در اوآخر قرن شانزدهم اطلاعاتی راجع به شرق بسته اوردنده وارد عرصه تجارت هند شرقی شدند. مدت‌ها قبل از سال ۱۵۹۵ م هلنداها رابطه تجاری غیر مستقیمی از راه «لیسبون» با هندوستان و مشرق داشتند ولی در آن اوقات هلندا جزو متممکات اسپانی بود و فیلیپ دوم بقصد معدوم ساختن تجارت آن مملکت کشته‌های هلنداها را در آبهای اسپانی توقيف نمود و هر گونه روابط تجاری را بین مملکت‌های قدرنگ کرد. سیاست اصلی فیلیپ این بود که مراوده هلنداها را با متممکات پرتغال در مشرق قطع نماید لیکن این سخت گیریها به هیچ وجه از عشق و علاقه مفرط هلنداها به مسافت نکاست و چون از منافع هنگفت پرتغالی‌ها در مشرق و مخصوصاً از فواید تجارت ادویه اطلاع داشتند در صدد برآمدند که خود مستقماً با ممالک شرقی روابط تجاری برقرار نمایند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۸۱). نخستین هلندا که رو مشرق نهاد فردی بود به نام ژان هویگن لینشوتن از مردم شهر هآلرلم که در سال ۱۵۸۳ م/ ۹۹۱ ق به هند سفر کرد. تا حدود سال ۱۵۹۲ م/ ۱۰۰۱ ق

در آن سرزمین به کسب اطلاعات لازم پرداخت و مجموعه اطلاعات خود را در هلند منتشر ساخت و کتابی هم با جدولها و نقشه‌ها برای راهنمای ملاحان هلندی در خصوص راههای دریایی بین هلند و هند و جزایر و بنادر و بادها و بارانها و سواحل این دریاها نوشت. کمی بعد از بازگشت وی، کرنلیس هموتومن از طرف بازرگانان آمستردام جهت کسب اطلاعات به لیسبون گسیل گشت. او که خود چند بار هند رفته بود، پس از مراجعت به لیسبون در سال ۹۶-۱۵۹۸ ق به فرماندهی یک کاروان از کشتیهای تجاری به «ورای دماغه امیدنیک» رفت. هر چند سفر این بازرگان چندان موفقیت آمیز نبود، ولی از آن پس هلندی‌ها بارها به هند رفته و بر اثر این کوششها، در سال ۱۵۹۷-۶-۱۰۰۵ ق شرکت بزرگی به نام «شرکت تجارت با کشورهای دوردست» ایجاد کردند و این شرکت در سال ۱۶۰۲-۱۱-۱۰۱۰ ق از طرف دولت هند به «شرکت هند شرقی هلند» تبدیل شد و اختیارات وسیعی بدان واگذار گردید (نوایی، ۲۷۳: ۱۳۷۵). هلندی‌ها که در پی استعمار و گسترش سلطه خود بر تجارت غرب با شرق بودند، آشکارا جنگ را تنها راه حل میدانستند. نکته جالب اینکه هلندی‌ها برای حذف پرتغالی‌ها از صحنه تجارت خلیج فارس و اقیانوس هند به شرایط حاکم بر این منطقه در دوره پیش از پرتغالی‌ها عبارت بود از تجارت آزاد و دیرانوری آزاد برای همه تکیه کردند (اسدپور، ۷۹: ۱۳۸۷). در سال ۱۶۰۱-۹۶۸۲ ق کشتی‌های هلندی با ناوگان پرتغالی‌ها در اقیانوس هند به نبرد پرداخته و آنها را شکست دادند و خود را به جزایر هند شرقی یا اندونزی امروزی رسانندند. آنها به تدریج جاوه و سوماترا را متصرف شدند (الهی، ۲۱۵: ۱۳۸۶). در این سال یکی از کشتیهای پرتغالی حامل ابریشم به چنگ هلندی‌ها افتاد. فروش ابریشم‌های غنیمتی سودکارانی عاید تجار سود جوی هلند ساخت و آنها مشتاق تجارت با ایران به هوا ابریشم هند (نوایی، ۲۷۴: ۱۳۷۵). هلندی‌ها پس از تحکیم موفقیت خود در تجارت مشرق ناگهان برای رقابت با انگلیسی‌ها قیمت فلفل را ترقی دادند و قیمت آن را از «پوندی» سه شلینگ به هشت شلینگ بالا برندند. این اقدام با آنکه فی النفسه دارای اهمیت زیاد نبود معدلک در تاریخ روابط تجاری شرق مهم و قابل توجه می‌باشد زیرا در اثر همین اقدام تجار لندن بجنوب و جوش افتاده در صدد حمایت از تجارت خویش برآمدند. و بالنتیجه کمپانی هند شرقی انگلیس تشکیل گردید (ولیسن، ۱۸۳: ۱۳۶۶).

روابط ایران و هلند در دوره صفویه:

در هنگام ورود هلندی‌ها به خلیج فارس منطقه آبستن حوادث جدیدی بود. در این زمان شاه عباس اول برای برقراری حاکمیت ایران بر سواحل و جزایر خلیج فارس در پی یافتن متحداً بود که بتواند وی را در جنگ علیه اشغالگران پرتغالی یاری دهد. پس از آنکه شاه عباس اول در سال ۱۶۲۲-۳۱ ق میلادی جزیره هرمز را از تصرف پرتغالی‌ها خارج ساخت و بندر عباس مرکز تجارت خلیج فارس شد بازرگانان هلندی نیز به این بندر راه یافتند و از سال ۱۰۳۲ هجری در آنجا تجارتخانه‌ای تأسیس کردند. بهانه ورود ایشان به خلیج فارس و مشارکت در تجارت با ایران آن بود که هنگام زد و خورد قوای انگلستان و پرتغال به یاری قوای انگلیس و ایران برخاسته بودند. هلندی‌ها پس از آنکه در بندر عباس مستقر شدند از شاه عباس اجازه خواستند که در کار تجارت ابریشم ایران شرکت کنند. شاه ایران چون در آن زمان با دولت عثمانی در جنگ بود با ایشان از در موافقت درآمد. به موجب قراردادی که میان ایران و شرکت هند شرقی

هلند بسته شد، مقرر گردید کشتی‌های آن شرکت امتعه و اجناس را که به ایران می‌آوردند در انبارهای خاص شاهی خالی کنند و معادل ارزش اجنسی که از ایشان خریده می‌شود، از محصولات ایران مانند ابریشم و پارچه‌های زربفت صادر کنند. لیکن این طریق به حال شرکت هلندی مفید نیفتاد، چه عمال شاه اغلب از قیمت اجنس آن شرکت می‌کاستند و بر بهای محصولات ایران، که فروش بیشتر آنها منحصر به شخص شاه بود، می‌افزوند و این امر پیوسته مایه بروز اختلاف و شکایت بود.(مهدوی، ۱۳۵۵: ۲۳۸).

هلندی‌ها پس از آنکه در کار بازرگانی با ایران شریک شدند با شرکت هند شرقی انگلیس به رقابت پرداختند و کار تجارت خلیج فارس را بر بازرگانان انگلیسی دشوار کردند. دولت هلند، با ایجاد یک مرکز بازرگانی و تجاری در خلیج فارس و اعزام نماینده به دریار صفوی خواستار برقراری روابط دو جانبه شد. برای این امر، جان پیترز کوئن حکمران باتاویا یکی از بازرگانان را مأموریت داد تا برای تأسیس شعبه کمپانی و اجازه تأسیس دارالتجاره برای هلندیان به دریار ایران برود. این بازرگان که ویس نیخ نام داشت ۲۶ ساله بود و در امور تجاری با ممالک شرق مدیترانه تجربه فراوان داشت و چون یش از این مدتی در شهر حلب می‌زیست زبان عربی و احتمالاً ترکی را که زبان رایج آن روز در خاور نزدیک و شرق میانه من جمله دریار صفویه بود. به خوبی می‌دانست. روز ۲۰ ژوئن سال ۱۶۴۳ شعبان ۱۰۳۲ ق ویس نیخ، با کشتی موسوم به فان هاسدن وارد هرمز شد که بر اثر ضایعات ناشی از جنگ به صورت ویرانه‌ای در آمده بود اما به مناسبت ویران شدن هرمز، مراکز تجاری به بندر عباس منتقل شده بود(نوایی، ۱۳۷۵: ۲۷۵). ویس نیخ خواستار شد که به حضور شاه عباس بار یابد و چون در آن روزگار انگلیسی‌ها، به مناسبت کمکشان به ایران و غله ایشان بر پرتغالی‌ها و تصرف هرمز، سخت مغروف شده بود و هر لحظه امتیازات بیشتری از دولت ایران می‌خواستند، شاه عباس هلندی‌ها را به گرمی پذیرفت. سرانجام ویس نیخ متنی را که به عنوان قرارداد تجاری ایران و هلند تنظیم کرده بود تقدیم داشت و دریار ایران پس از اصلاحاتی آن را مورد تائید قرار داد. این موافقنامه در ۲۱ نوامبر ۱۶۴۳ م ۱۳۳۱ ق به مهر و امضاء شاه عباس رسید و شاه عباس در ذیل هر ماده نظرات خویش را به صورت موجز یا مفصل اظهار داشت (همان: ۲۷۴).

این قرارداد که ۲۳ ماده دارد در زیر به برخی از مهمترین مفاد آن اشاره می‌شود:

- ۱- معافیت از حقوق گمرکی و تسهیلات
- ۲- تأمین مسکن، محل تجارت، انبار و ... هلندی‌ها
- ۳- مصونیت آنها از هر گونه خطر
- ۴- آزاد گذاشتن هلندی‌ها برای ساخت کلیسا در اصفهان، بندر عباس
- ۵- ازادی تجار هلندی در خرید و فروش همه نوع جنس
- ۶- آزادی هلندی‌ها برای مسافرت با هر گونه دارایی و ممنوع بودن ضبط و یا توقيف اموال آنان
- ۷- مجاز بودن هلندی‌ها برای اعمال شاخص وزن و اندازه‌ی کشور خود در امر خرید و فروش
- ۸- اختصاص اموال متوفیان هلندی ساکن در ایران به اتباع ذی نفع همان کشور
- ۹- مجاز بودن اتباع هلندی برای خرید یا کرایه‌ی شتر، قاطرها و همچنین خروج آنها از ایران
- ۱۰- مجاز بودن مقامات قضایی دولت صفوی برای ورود به اقامتگاه هلندی‌های ساکن ایران
- ۱۱- تعهد ایران مبنی بر پرداخت غرامت اموال به سرقت رفته‌ی هلندی‌های در ایران و یا یافتن آنها

- ۱۲- فراهم شدن زمینه‌ی خرید بندۀ و زرخردی پیروان دینی عیسی، ساکن در ایران برای هلندی‌ها
- ۱۳- توقیف اموال اتباع هلندی پیرو دین اسلام
- ۱۴- محاکمه‌ی اتباع هلندی ضارب یا قاتل توسط مقامات آن کشور
- ۱۵- بهره‌مند بودن افراد وابسته به شرکت هند شرقی هلند از حقوق اتباع آن دولت
- ۱۶- اختصاص دادن اموال کشتی‌های هلند و اجناس هلندی از حقوق راهداری و گمرکی (رمضانی، ۱۳۸۶: ۴۴).
- ۱۷- معاف شدن کشتی‌های هلند و اجناس هلندی از حقوق راهداری و گمرکی (رمضانی، ۱۳۸۶: ۴۴).
- نکته قابل توجه اینکه در ماده ۲۳ قرارداد پیش بینی ورود سفیری تازه شده که «از جانب سورای ایالات والا حضرت شاهزاده هلند» به ایران خواهد آمد تا امتیازات و مزایایی همانند آنچه در قرارداد مکتب منظور شده تقاضا کند و اظهار امیدواری به عمل آمده که «اعلیحضرت با درخواستهای او موافقت خواهد کرد» علت افزایش این ماده به قرارداد این بود که ویس نیخ هیچ گونه اعتبارنامه یا توصیه و معرفی نامه‌ای از دولت هلند در دست نداشت و شاه عباس که از این امر شگفت زده بود اظهار تمایل کرد که با نماینده رسمی دولت هلند طرف مذاکره شود و مواد قرارداد به وسیله دولت هلند تضمین و تایید گردد (نوایی، ۱۳۷۷: ۱۶۳).

ویس نیخ پس از عقد قرارداد و تأسیس شعبه کمپانی، محموله کشتی فان هاسدن را بدین شرح تخلیه کرد. (نوایی، ۱۳۷۵: ۲۷۵)

مقدار، اندازه	نوع جنس
۱۶۰۰۰ پوند	میخک
۱۰۰۰۰ پوند	جوز هندی
۵۲ پیکول	حسن لبه (بنزوئین) مرغوب
۵۰ پیکول	حسن لبه (بنزوئین) متوسط
۴۷۳ کاتی	مشک
۲۰ پیکول	چوب صندل
۲ توب	پارچه قرمز
۲ صندوق	عمامه و کمربند و قماش یافت دکن
۴ قبضه	تنگ کنده کاری شده مطلا
۴ قضمه	طبانچه کنده کاری شده مطلا
۲۹۰۰۰ عدد	سکه رئال اسپانیولی

صادرات ایران در عوض محصولات وارد شده از هلند بسیار کم و شامل پول نقد، مسکوک طلا، سنگ نمک و خاک سرخ، پشم کرمان، خرما، مروارید، سنگهای قیمتی، روماس، و انگور بود. (فلور، ۱۳۷۱: ۱۸۴). نفوذ شرکت هند شرقی هلند در خلیج فارس و محکم شدن جای پای سردمداران آن در اثر انعقاد قرارداد ۱۶۲۳ میلادی، شاه عباس را بر آن داشت که سفیری به نام «موسی بیگ» را به هلند اعزام کند. و از سر آن آنها برای دو کار مهم یاری بطلبند. نخست: قطع رابطه‌ی هلند با عثمانی‌ها و اتحاد با ایران بر ضد آن دولت؛ دوم: همکاری با ایران در مقابله با پرتغالی‌ها، به منظور باز پس گیری دو جزیره مسقط و

لارک (رمضانی، ۱۳۸۶: ۴۴).

تصمیم شاه عباس غیر مترقبه بود به حدی که ویس نیخ نیز شگفت زده بود. ظاهراً این تصمیم ناگهانی و شتابزده نتیجه سخنان فان هاستله هلنندی نقاش مقیم دربار شهریار صفوی بود و او مسلماً درباره هلنند و قدرت تجاری و عظمت ناوگان آن کشور چندان در گوش شاه خوانده بود که وی ناگهان تصمیم گرفت که سفیری منحصرأ به کشور هلنند اعزام دارد. بدون تردید شاه عباس در آروزی استفاده از ناوگان عظیم هلنند و امید به همکاری آن کشور در کوتاه کردن دست انجلیسی‌ها، دست به چنین اقدامی زده بود. اما دولت هلنند بدین امر راضی نبود و وقتی ویس نیخ در گزارش خود، اولیای شرکت را از اقدامات شهریار ایران آگاه نمود، آنها شدیداً به ویس نیخ اعتراض کردند و ویس نیخ جواب داد که به هیچ وجه اطلاعی از این امر نداشته و تصمیم شاه ناگهانی و غیرمنتظره بوده است (نوایی، ۱۳۷۷: ۱۶۴).

موسی بیک که حامل نامه شاه و پیشنهاد فوق بود. همراه با هدایای ارزشمند به هلنند رفت. هلنندی‌ها به خواسته‌های دولت ایران توجه نکردند، و با سفیر ایران رفتار غیر دوستانه و سردی داشتند. آنچه موجب این رفتار غیر دوستانه و سرد و زنده شده بود، دلایل مختلف داشت. یکی این بود که هلنند حاضر نبود به روابطش با دولت عثمانی خللی وارد شود و دیگر اینکه هلنندی‌ها می‌خواستند هر چه زودتر موسی بیک از هلنند بروند. زیرا پرداخت مخارج وی هلنندی‌ها را سخت ناراحت کرده بود (نوایی، ۱۳۷۵: ۲۸۰). در رأس همه علل نارضایتی هلنندی‌ها از سفیر ایران، خست و امساك هلنندی‌ها بود، زیرا هلنندی‌ها آنچه می‌خواستند بر طبق قراردادهای تجاری به دست آورده بودند و دیگر لزومی به مخارج بیهوده جهت پذیرایی سفیر و متقابلاً اعزام نمی‌دیدند. جنبه دیگر عدم رضایت هلنندی‌ها این بود که سفیر ایران صد عدل ابریشم متعلق به پادشاه ایران را به همراه داشت تا در بازارهای هلنند بفروشد. و این امر گذشته از آنکه بازار هلنند را دچار اختلال و ناموزون می‌ساخت، موجب می‌شد که سفیر ایران از راز و رمز تجارت هلنندی و زیر و بم کارهای آنان و خاصه از سود سرشاری که از این راه حاصل می‌کردند آگاه شود. بدین جهت ویس نیخ را شدیداً ملامت نمودند (نوایی، ۱۳۷۷: ۱۶۵).

پس از مرگ شاه عباس به سال ۱۶۲۹ م / ۱۰۳۸ ق شاه صفی به سلطنت رسید. در دوران وی روند تجارت و بازرگانی خلیج فارس در واقع تداوم روند دوران شاه عباس اول بود.

در دوران شاه صفی موقیت هلنندیها باز هم بهبود بیشتری یافت. زیرا در این دوره طبق رسوم ایران، ادامه قرارداد تجاری منوط به اضاء قرارداد توسط شاه جدید بود که هلنندی‌ها در این زمینه در مقابل رقیب دیگرگشان انگلیسی‌ها توانستند موقیت بیشتری کسب کنند. هلنندی‌ها موقع را معتبر شمرده و بوسیله رشوه دادن و گران خریدن اجنباس ایرانی تلاش می‌کردند که انگلیسی‌ها را از پایگاه دریایی خود در خلیج فارس بیرون نمایند. در این اثنا هلنندی‌ها توانستند قرارداد تجاری خود را توسط جانشین ویس نیخ تجدید کنند. به جای ویس نیخ هلنندی دیگری بنام دکلورت به ایران آمد و او نیز توفیق یافت قرارداد ۱۶۲۳ را جدید کند با تجدید این قرارداد هلنندی‌ها آزادی بیشتری برای تجارت یافتند. ولی نتوانسته از حقوق و عوارض گمرکی معاف شوند. هلنندی‌ها به زودی در بندر عباس مستقر شدند و دارالتجاره تأسیس کردند و در سال ۱۶۳۸ م / ۱۰۴۸ ق انحصار تجارت ادویه را به دست گرفتند و اندک اندک در خلیج فارس مالک الرقاب شدند و حمل کلیه کالاهای تجاری به بندر عباس را به کشتی‌های خود اختصاص دادند (نوایی، ۱۳۷۵: ۲۹۲).

در عهد شاه صفی، هلنگرها توانستند بر رقیب خود یعنی انگلستان در عرصه تجارت ایران و خلیج فارس پیشی گیرند. آنها نه تنها عرصه را بر شرکت کمپانی هند شرقی انگلیس و بازرگانان خصوصی آن کشور تنگ کردند، بلکه حتی از حضور عناصر تجاری اروپایی و غیر اروپایی دیگر نیز جلوگیری کردند. که به عنوان نمونه می‌توان به ممانعت هلنگرها از موقوفیت سفارت «دوك هولشتان» آلمان در زمینه خرید ابریشم در ایران اشاره کرد.

«آنها با افزایش قیمت خرید ابریشم در هر عدل از ۴۲ تومان به ۵۰ تومان، موجبات شکست سفارت دوک هولشتاین را فراهم کردند و پس از خروج آنها قیمت خرید را به ۲۴ تومان کاهش داند» (نوایی، ۱۳۷۷: ۱۷۶). هلنگرها مصمم گردیدند که بهر وسیله که ممکن باشد موقعیت خود را در ایران تحکیم کرده و نفوذ و تسلط خویش را در آنجا مستقر سازند. هلنگرها تا آن وقت به وسیله رشو و پیشکش موفق شده بودند سهمی از تجارت ایران بدست آورند. لیکن در سن ۱۶۴۵ م مکرر برای آنکه ایرانیها را مجبور ساخته و حق تجاری انحصاری را به خود اختصاص دهند، متوجه به زور و قوه قهریه گردیدند و این همان وسیله‌ای بود که عمال انگلیسی هم مکرر برای پیشرفت مقاصد خویش آن را به امنی کمپانی پیشنهاد کرده بودند و مورد قبول نیافته بود. بدین جهت هلنگرها قوه قهریه کاملی در خلیج فارس حاضر کرده و در پاییز ۱۶۴۵ م به حصار و قلعه جزیره قشم حمله نمودند (ویلسن، ۱۳۶۶: ۱۸۹).

پادشاه صفوی چون نیروی دریایی نداشت تسليم شد و شروع مذاکرات را درخواست کرد. فرمانده نیروی هلنگر، «نیکلا بلک» فوراً به اصفهان رفت و قرارداد جدید بست که به موجب آن به بازرگانان هلنگر اجازه داده شد ابریشم را به هر قیمتی در هر گوش ایران بخرند و بدون پرداخت گمرکی از ایران خارج کنند (نوایی، ۱۳۷۵: ۳۹۷).

این امتیاز نه تنها بر نفوذ هلنگرها در بازرگانی خلیج فارس افزود بلکه به سیاست تجاری انگلیس که برای تقویت خود در ایران و سواحل عربستان به عملیاتی دست زده بود، ضرب مهلكی آورد.

هلنگرها که از سال ۱۶۴۰ میلادی به بعد به مدت سی سال حاکم بلا منازع در تجارت و بازرگانی خلیج فارس بودند، توانستند انگلیسی‌ها را نیز در تجارت و دریانوردی خلیج فارس شکست بدند و آنها را نیز منزوی سازند. هلنگرها حتی تجارت‌خانه انگلیسی‌ها در بصره را نیز بمباران کردند (اسدپور، ۱۳۸۷: ۸۳).

در اواسط قرن هفدهم این هلنگرها بودند که بر تجارت خلیج فارس تسلط داشتند. به قول ج. ب. تاورنیه سیاح معروف فرانسوی که در سال ۱۶۵۲ م از بندر عباس دیدن کرد، هلنگرها بیش از ۷۰۰ تن فلفل از متصرفات شرقی خود را در این منطقه می‌فروختند و بیش از ۱۲۰/۰۰۰ پوند از داد و ستد ابریشم، که در آن روزها مبلغ هنگفتی بود، درآمد داشتند. بدین ترتیب دفاتر تجاری کمپانی هند شرقی بریتانیا در خلیج فارس مبالغ زیادی بیش از ۸۵۰۰۰ پوند در سال ۱۶۵۴ م متضرر شدند (بوندارفسکی، ۱۳۶۱: ۴۳).

مبازه شدید بین انگلیسی‌ها و هلنگرها بر سر سیادت بر دریاها و بازارهای شرق منجر به دو جنگ یکی در سال ۱۶۵۲ تا ۱۶۵۴ میلادی و دیگری از سال ۱۶۶۷ تا ۱۶۶۵ میلادی شد. این جنگها نه تنها در اروپا بلکه در آسیا و به ویژه در خلیج فارس نیز شعله ور گردید. هر دو طرف، کشورهای منطقه را نیز در گیر جنگ کردند و این امر به توسعه اقتصادی این کشورها صدمات زیادی وارد کرد (نوایی، ۱۳۷۷: ۱۷۸).

در همین زمان قانونی در انگلستان موسوم به فرمان کشتی رانی (Navigation Act) به تصویب

رسید که به موجب آن حمل کالاهای آسیا و آمریکا به اروپا تنها با کشتی‌های انگلیسی مجاز شده بود (سیوری، ۱۳۸۷: ۸۴).

هلندی‌ها که این فرمان را مغایر منافع خویش می‌دیدند زیر بار نرفتند و به مبارزه برخاستند و جنگ بین ناوگان انگلیسی‌ها و هلندی‌ها در گرفت، ولی در سال ۱۶۵۴/۱۰۶۴ ق نیروی دریایی هلند به ناچار خواستار صلح شد و در جزو قبول شرایط مختلف، ۸۵ هزار لیره انگلیسی نیز به شرکت انگلیسی هند شرقی غرامت پرداخت (نوایی، ۱۳۷۷: ۱۷۷).

در زمان سلطنت «شاه سلیمان» سفیری به نام «فون لینی» به ایران آمده و در زمینه تجارت ابریشم موفق به دریافت امتیازاتی شد (قدیانی، ۱۳۸۴: ۲۰۱). شاه سلیمان در سال ۱۶۸۹/۱۰۶۸ ق تحت فشار کمپانی هند شرقی هلند فرمانی صادر کرد که به موجب آن تخفیف کلی در بهای فروش ابریشم به هلند در نظر گرفته شد. (اللهی، ۱۳۸۶: ۲۱۸).

در اواخر دوره صفوی هلندی‌ها به تدریج موقعیت خود را در خلیج فارس به نفع انگلیسی‌ها از دست دادند. اگر چه نفوذ هلندی‌ها در خلیج فارس و اقیانوس هند طی آخرین ربع قرن هفدهم میلادی (اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم هجری قمری) کاهش یافت. کمپانی هند شرقی هلند همه امید خود را برای حفظ موقعیت تجاری ممتازش از دست نداد و در ۱۷۱۷/۱۱۲۹ ق هیأتی را به ریاست جان جاشوا کتلار که از مقامات بلند پایه کمبانی بود به ایران فرستاد. در پایان ماه مه ۱۷۱۷/۱۱۲۹ ق هیئت کتلار با شش فیل که هدیه ای برای شاه بود، به اصفهان رسید. کتلار پس از مذاکرات طولانی با وزیر شاه سلطان حسین، فتحعلی داغستانی، موفق شد بسیاری از امتیازات تجاری هلندی‌ها را تجدید کند (سیوری، ۱۳۸۷: ۱۲۲).

در آغاز قرن هجدهم میلادی انگلیسی‌ها پس از بازسازی و تجربه قوا، دوباره به امور خلیج فارس توجه جدی نمودند و خواهان ایفادی نقش مهم در آن شدند. هلندی‌ها در آغاز قرن هجدهم دچار ضعف و انحطاط شدند و رفتہ رفته امکان رقابت با انگلیس را از دست دادند. به هر اندازه که به پایان دوره حکومت صفوی نزدیک می‌شویم، شاهد اوج گیری قدرت سیاسی، بازرگانی، نظامی انگلیس در خلیج فارس و عقب نشینی هلندی‌ها هستیم.

روابط ایران و هلند در دوره افشاریه:

نادر شاه که پس از اخراج بیگانگان و آزاد سازی کشور از سلطه اشغالگران، به طور عملی جانشین صفویه شده و پس از اجلاس مغان به تخت سلطنت ایران رسیده بود، جایگاه مهم و حساسی را در گفتمان خویش به تجارت و از جمله تجارت ایران در خلیج فارس داده بود. بر این اساس او ابتدا به دنبال تقویت و گسترش تجارت ایران در خلیج فارس بود. از سوی دیگر یکی از علل توجه اساسی و محوری نادرشاه به خلیج فارس، احیاء تسلط و کنترل ایران بر خلیج فارس بود که با فروپاشی صفویه به شدت دچار آسیب شده بود. در دوران نادرشاه افشار، تجارت ایران در خلیج فارس در ابعاد و سطوح مختلف دارای رونق بود. که از جمله می‌توان به مبادلات بین المللی کالا و صادرات و واردات به ایران و کشورهای دیگر اشاره کرد. مهمترین اقلام و کالاهای صادراتی ایران از طریق خلیج فارس در دوره افشاریه عبارت بودند از: پنبه،

غلات، فرش، محصولات چرمی، زعفران، ابریشم، مروارید، اسب، شتر. محصولات و کالاهای نیز به ایران وارد می‌شد که به عنوان نمونه می‌توان به شکر، ادویه، ماهوت، کشتی، چینی آلات، آهن، فولاد، داروجات و انواع بلورجات اشاره کرد(اسدپور، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

نادر شاه افشار در برخورد با کمپانی‌های هند شرقی هلندا و انگلیس سیاستهای منطقی و هدفمندی داشت. نادر شاه ضمن کنترل تمایلات و رفتارهای این شرکتها از ورود آنها به عرصه غیر تجاری با دادن امتیازات تجاری جلوگیری کرد. نادر شاه در باب توجه و حمایت از تجار اروپایی سیاست حکومت صفویه را ادامه داد و از نیروی دریایی آنها در توسعه قدرتش بر خلیج فارس و کرانه‌های آن بهره جست(پری، ۱۳۸۲: ۲۲۰).

عدم تمایل انگلیسی‌ها به همکاری با نادر شاه در تصرف بصره باعث کم رنگ شدن روابط نادر شاه با کمپانی هند شرقی انگلیس شد. هلندهای سرسخت‌ترین رقیب انگلیسی‌ها در خلیج فارس نه تنها پیوندهای نزدیکی با نادر شاه برقرار کردند بلکه کشتی‌های خویش را جهت تسخیر مسقط در اختیار وی گذاشتند.

هلندهای در اثر این همکاری با دولت نادر شاه زمینه فعالیت‌های تجاری خود را هموار نمودند و دفاتر تجاری خود را در اصفهان، شیراز، بوشهر، گنگ و بندرعباس افتتاح نمودند(اسدپور، ۱۳۸۷: ۱۴۹). با قتل نادر شاه افشار در ۱۷۴۷/۱۱۲۶ق، کشور ایران و مناطق تابع آن از شمال تا جنوب خلیج فارس در بحران فرو رفت و خلیج فارس نیز از این بحران بی نصیب نماند. با این حال سیاستها و اقدامات اساسی و هدفمند نادر شاه در خلیج فارس و تقویت تجارت ایران در آن، موجب شد که پس از وی و علیرغم آشوب‌ها و بحرانهای گسترده، کانونها و مراکز تجاری و دریایی ایران در خلیج فارس تا چند سال پس از قتل وی نیز همچنان فعال باقی مانده و باعث تداوم تجارت و بازرگانی باشند. این روند پس از چند سال به علت گسترده‌گی آشوبها و گسترش ابعاد بحران به ویژه بحران امنیتی در ناحیه‌ی سفلای خلیج فارس باعث رکود تجاری و دریایی بندر عباس شد و در نهایت منجر به خروج دفتر نمایندگی کمپانی هند شرقی هلندا در سال ۱۷۶۲م از آن کانون مهم تجاری گردید(اسدپور، ۱۳۸۷: ۳۸۹).

خروج هلندها از خلیج فارس و انتقال مرکز تجاری به بصره برای آنها ثمربخش نبود. زیرا به علت اختلاف با حاکم بصره از آنجا اخراج شدند.

هلندها در جزیره خارک:

با رون کنیپ هاووزن نماینده هلندا به بهانه هتك حرمت قوانین و مقررات مذهب اسلام از بصره اخراج شد. با رون پس از مراجعته به باتاویا در اندونزی، به اولیاء کمپانی هند شرقی هلندا پیشنهاد کرد که بعضی از جزایر مهم خلیج فارس، از جمله جزیره خارک را به منظور تأمین تجارت هلندا و حفظ منافع آن کشور فتح کنند، زیرا جزیره خارک، حاکم تجارت خلیج فارس و بصره بود و با رون قصد داشت، با تسخیر این جزیره، تجارت بصره را فلچ کند و انتقام خود را از حاکم بصره بگیرد. این امر، مورد موافقت دولت هلندا گرفت و با رون با دو کشتی جنگی حرکت و در سال ۱۷۵۰/۱۱۷۰ق به آسانی جزیره خارک را تصرف کرد و حاکم بندر بوشهر که جزیره خارک جزء قلمرو او بود، پس از مختار مقاومتی، تسلیم و حاضر شد انحصار

تجارت این جزیره را با حق اقامت به هلندی‌ها واگذار کند.(هدایتی، ۲۴۹:۱۳۳۴) هلندی‌ها با استقرار در جزیره خارک، به ساختن قلاع و استحکامات پرداختند و کمی بعد بندر بصره را محاصره اقتصادی کردند به این معنی که کلید کشتی‌های ترک را که از اقیانوس هند به قصد بصره وارد خلیج فارس می‌شد، متوقف می‌کردند. با مختل شدن تجارت بصره، حاکم این شهر حاضر شد وجوه دریافتی از بارون و همکارانش را باز گرداند.(نیپور، ۱۷۰:۱۳۵۴)

هلندی‌ها انتقام خود را گرفتند ولی جزیره را ترک نکردند و به مدت یازده سال در جزیره حضور داشتند و با فعالیت شدید خود این جزیره‌ی ویران را به صورت یک مرکز تجاری آباد و با اهمیت و یک انبار برای کالای تجاری خلیج فارس در آوردند. به طوری که جمعیت صدنه‌ی سال ۱۷۵۵ م (در سال تسخیر جزیره به دست هلندی‌ها)، یازده سال بعد به یازده هزار نفر بالغ شد.(هدایتی، ۲۵۵:۱۳۳۴)

پس از مرگ میر نصیر توسط پسرش میرمهنا که در سال ۱۷۵۴ / ۱۱۶۸ ق رخ داد، شرایط دگرگون شد. هلندی‌ها از پرداخت اجاره بها به «میرمنها» حاکم بندر ریگ و جزیره خارک خودداری می‌کردند. بین میرمهنا و هلندی‌ها جنگی سخت در گرفت و شجاعت میرمهنا و یارانش به هلندی‌ها شکست سختی داد و تعداد زیادی از آنها کشته شدند و بقیه نیز فرار کردند. میرمهنا بلاfacسله جزیره خارک را محاصره کرد و قلعه‌های هلندی‌ها را یکی پس از دیگری تسخیر کرد. تمام ذخایر و ثروت آنان را ضبط و عده‌ی زیادی را کشت. (شمیم: ۱۵۲:۱۳۷۳)

پس از این واقعه نقش هلندی‌ها در خلیج فارس خاتمه یافت و هلندی‌ها «خاک بر سر و آب حسرت بر دیده و آتش غم در دل، از قلعه بیرون شتافتند، سر به دایرهٔ انتقاد نهادند»(نامی اصفهانی، ۱۶۲:۱۳۸۶). کاهش نفوذ هلندی‌ها تا بانجا رسید که از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی حتی دیلمات‌های فرانسوی و انگلیسی در بوشهر عهده دار امور دولت هلند در منطقه بودند.

نتیجه گیری:

ظهور صفویان در ایران با حضور پرتغالیها و ناوگان دریایی و نظامی آنها در خلیج فارس مصادف شد. و اقیانوس هند، حکومت صفویه به علل گوناگون از جمله رقابت با عثمانیها، از توجه جدی به امور خلیج فارس غفلت نمود. پرتغالیها با استفاده از این بی توجهی دولت صفوی نسبت به خلیج فارس و نواحی پس کرانه‌ای آن، با تکیه بر نیروی نظامی و ناوگان دریایی خویش تجارت دریایی و دریانوردی در خلیج فارس را تحت انحصار خود درآوردند. در دوران اواخر حکومت شاه عباس اول و در دوران جانشینان او، شرکت‌های تجاری و کمپانی‌های هند شرقی انگلیس و هلند نقش ویژه‌ای در تجارت دریایی خلیج فارس ایفا نمودند. کمپانی هند شرقی هلند در طی قرن هفدهم میلادی قدرت برتر تجارت دریایی منطقه بود. هلندی‌ها تا اوایل قرن هیجدهم میلادی برتری کاملاً مشهودی بر رقیب دیگر خود شرکت کمپانی هند شرقی انگلیس داشت. هر چه از سالهای قرن هیجدهم می گذشت، قدرت کمپانی هند شرقی هلند رو به کاهش گذاشت و انگلیس قدرت بلا منازع تجارت دریایی و سپس نظامی در خلیج فارس شدند. با ظهور نادرشاه افشار تجارت ایران در خلیج فارس شاهد رونق و رواج بود، کمپانی هند شرقی هلند با پشتیبانی

از نادرشاه در جنگ علیه اعراب عمان و گذاشتن کشتی‌های جنگی خود در اختیار این شاه افشار توانستند نظر نادرشاه را به خود جلب کنند. با قتل نادرشاه افشار، کشور ایران و مناطق تابع آن دچار بحران شد. اگر چه سیاستهای هدفمند نادرشاه تا چند سال بعد از او علیرغم آشوب و بحرانهای گسترده کانونهای تجاری و دریایی ایران در خلیج فارس فعال بودند، اما این روند پس از چند سال به دلیل گسترش بحران و به قدرت رسیدن خاندانهای محلی در ناحیه سفلای خلیج فارس باعث رکود تجاری و دریایی بندر عباس شد و منجر به تعطیلی دفتر کمپانی هند شرقی هلنند در آنجا شد. هلنندی‌ها پس از اینکه فعالیت بازارگانی خود را به بصره انتقال دادند در آنجا به علت اختلاف نماینده آنها بارون هوزن با حاکم بصره (عثمانی) پس از پرداخت غرامتی که متحمل شدند از آنجا اخراج و به جزیره خارک روی آوردنده، هلنندی‌ها مدتی در جزیره خارک به تجارت مروارید پرداختند اما پس از مدتی به دلیل اختلاف با حاکم بندر ریگی جزیره خارک (میر مهنا) و شکست از او عمللاً سیطره تجاری و بازارگانی خود را از دست دادند و در دوره زندیه تجارت دریایی و بازارگانی خلیج فارس در اختیار انگلیسی‌ها قرار گرفت.

کتابنامه:

- اسدپور، حمید (۱۳۸۷)، تاریخ سیاسی و اقتصادی خلیج فارس در عصر افشاریه و زندیه، تهران، توسعه تحقیقات و علوم انسانی.
- الهی، همایون (۱۳۸۶)، خلیج فارس و مسائل آن، تهران، نشر قومس.
- عبدالامیر امین (۱۳۷۰)، منافع بریتانیا در خلیج فارس، ترجمه‌ی علی رجبی یزدی، تهران، امیر کبیر.
- بوندارفسکی، گریگوری (۱۳۶۱)، برتری جویان و امپریالیست‌ها در خلیج فارس، ترجمه‌ی مریم زمان زاده، تهران، ابوریحان.
- پری، جان (۱۳۸۲)، کریم خان زند، ترجمه‌ی علی محمد ساکر، تهران، آسونه.
- رمضانی، عباس (۱۳۸۶)، معاهدات تاریخی ایران، تهران، ترفنده.
- سیوری، راجر (۱۳۸۷)، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی تهران، انتشارات سحر.
- شمیم، علی اصغر (۱۳۷۳)، از نادر تا کودتای رضاخان میرینچ، تهران، مدبیر.
- فلور، ویلم (۱۳۷۱)، هلندیان در جزیره خارک در عصر کریم خان زند، ترجمه‌ی ابوالقاسم سری، تهران، توسعه.
- قدیانی، عباس (۱۳۸۴)، تاریخ فرهنگ و تمدن ایران در دوره صفویه، تهران، فرهنگ مکتب.
- نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق (۱۳۸۶)، تاریخ گیتی شاه در خاندان زند، تحریر و تحشیه علیرضا بیات، تهران، امیر کبیر.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۵)، ایران و جهان از مشروطیت تا پایان قاجار، هران، نشرهمای.
- نوایی، عبدالحسین (۱۳۷۷)، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران، سمت.
- نبیور، کارستین (۱۳۵۴)، سفرنامه، ترجمه پرویز رجبی، تهران، توکا.
- هدایتی، هادی، تاریخ زندیه (۱۳۳۴) ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- هوشنگ مهدوی، عبدالارضا (۱۳۵۵)، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران، امیر کبیر.
- ویلسن، آرنولد (۱۳۶۶)، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.